

لذت و تفریح در کنار آموزش و تربیت

معصومه رضایی کهخا

معلم دوره ابتدایی از شهرستان زابل



از آن موقعیت‌ها را برگزیند و روی آن کار کند. همچنین سعی می‌کردم از طریق هماهنگی با مدیریت مدرسه، مسئولیت برنامه‌ریزی و اجرای بعضی مراسم و جشنواره‌ها را بر عهده دانش‌آموزانم قرار دهم.

*** دریافته بودم که در زمان زیست این نسل، سرعت پیشرفت‌های علمی و حجم اطلاعات با دو نسل قبل قابل قیاس نیست. لذا سعی می‌کردم به‌جای انتقال مستقیم مفاهیم و اطلاعات درسی و تأکید بر حفظ کردن آن‌ها، مهارت پژوهش و جمع‌آوری صحیح اطلاعات را در دانش‌آموزانم تقویت کنم. مثلاً برای همهٔ درس‌ها تابلوهایی مقوایی در کلاس نصب می‌کردم و در پایان جلسه از دانش‌آموزان درخواست می‌کردم سؤال‌هایی را که در ذهنشان دربارهٔ موضوع آن جلسه ایجاد شده و علاقه‌مندند در زمینهٔ آن اطلاعات مناسبی کسب کنند، روی تابلوی سؤال‌ها بنویسند. سپس با خرد جمعی چند نمونه از آن سؤال‌ها برای انجام کار پژوهشی انتخاب می‌شدند. تا جلسهٔ آینده درباره‌شان تحقیق و بررسی می‌شد و سپس در جلسهٔ آینده مطالب جمع‌آوری‌شده را با دوستانشان به اشتراک می‌گذاشتند. در حین اشتراک‌گذاری نتایج تحقیقات توسط دانش‌آموزان، برای اینکه بتوانم در عین حفظ احترام و کرامت انسانی، تفکر انتقادی را هم در دانش‌آموزانم تقویت کنم، از آن‌ها درخواست می‌کردم در رابطه با صحبت‌های دوستانشان، نظر خود را با چنین جمله‌هایی بیان کنند:

من با نظر دوستم مخالفم، به این دلیل که.....

من موافق نظر دوستم هستم، به این دلیل که..... استفاده از این روش باعث شد دانش‌آموزانم این مهارت را پیدا کنند که بدون کوچک‌ترین بی‌احترامی و نگرانی، نظر یکدیگر را بشنوند، درباره‌اش بیندیشند و در صورت درست بودن، آن را بپذیرند.

*** دریافته بودم که این نسل به دنبال برقراری تعادل بین کار و زندگی هستند. بنابراین برای تعلیم و تربیت و طراحی موقعیت‌های یادگیری، از محیط‌های متنوع یادگیری (کلاس، نمازخانه، حیاط مدرسه، سالن مدرسه و اتاق بهداشت) استفاده می‌کردم تا لذت و تفریح در کنار آموزش و تربیت قرار گیرد و یادگیری به فضای کلاس محدود نشود.

نسل آلفا نسلی است که با نسل زمان من تفاوت‌های زیادی دارد. برای اینکه به‌عنوان مربی بتوانم روی این نسل تأثیر بگذارم و ایشان را هدایت و راهبری کنم، سعی کردم در شیوه‌های آموزشی و تربیتی خود تغییراتی ایجاد کنم که چنین است:

*** می‌دانستم که نسل آلفا از ابتدا با فناوری رشد یافته و حوصلهٔ تدریس‌های طولانی و سخنرانی‌گونه را ندارد؛ بنابراین در اغلب آموزش‌هایم سعی می‌کردم بازی و پویانمایی را همراه کنم. مثلاً پویانمایی «میگ‌میگ» را بارگیری (دانلود) می‌کردم و آنجایی را که به مباحث علوم مربوط بود انتخاب می‌کردم و سؤال‌های خود را به‌صورت برچسب‌هایی به آن اضافه می‌کردم تا در حین لذت‌بردن از دیدن پویانمایی، به جنبهٔ علمی اتفاقات رخ داده در آن هم توجه کنند و دربارهٔ آن بیندیشند.

*** برنامه‌نویسی با اسکرچ و کار با انواع نرم‌افزارها را به دانش‌آموزانم یاد داده بودم و با توجه به اینکه می‌دانستم دانش‌آموزان این نسل از نوشتن تحقیق خوششان نمی‌آید، از آن‌ها خواستم تحقیقات خود را با استفاده از نرم‌افزارها و فناوری‌هایی که طرز کار با آن‌ها را یاد گرفته‌اند تدوین کنند و برایم بفرستند تا در گروه مجازی کلاسی یا در کلاس نمایش دهم. از این طریق اطلاعات تحقیقاتی‌شان را با دوستانشان به اشتراک می‌گذاشتند و عزت‌نفس و خلاقیتشان هم افزوده می‌شد.

*** از طریق مطالعه دریافته بودم، این نسل به دنبال خلاقیت و نوآوری و یافتن راه‌حل‌های جدید برای برطرف کردن چالش‌هاست. لذا برای یاددهی مفاهیم، موقعیت‌های کاوشگرانه و چالش‌زا طراحی می‌کردم تا با درگیر شدن با چالش‌ها و پیدا کردن راه‌حل، مفاهیم در ذهنشان ساخته شوند. مثلاً برای اینکه با اجسام رسانا و نارسانا آشنا شوند، موقعیتی طراحی کردم که سیمی در اثر حادثه‌ای پاره و جریان قطع می‌شود و دانش‌آموزان باید بدون داشتن سیم اضافی و با وصله‌پینه کردن سیم پاره‌شده، مجدد جریان را برقرار کنند.

*** می‌دانستم این نسل به دنبال استقلال و آزادی است؛ بنابراین سعی می‌کردم مرتبط هر هدف آموزشی و تربیتی، چندین موقعیت یادگیری طراحی کنم تا هر فرد به‌طور کاملاً آزاد و متناسب با علاقه‌ها و استعدادهای خود، یکی